دیگرسو

بابک حیدری

جوشش زندگی در دل سبز جنگل

در راه باریکه‌ای که درختانِ سر به فلک کشیده آن را در میان گرفته‌اند، رد بوی نان تازه‌ای را گرفته، به پیش می‌روم که وهم جنگل را از آن ربوده، گرد امنیت بر آن افشانده است. مسیری که پهنای آن بیش از یک متر نیست، پیچ و تاب خورده، بالا و پایین می‌شود، تا در فرصتی که درختان جنگل به زمین بخشیده‌اند و فضای کوچکی پدید آمده تا جولانگاه نوازش خورشید باشد، به کلبه‌ای زیبا برخورد کنم که کلاهی از ساقه‌های برنج بر سر نهاده و ایوان‌هایش عرصه ابراز وجود گلدان‌های شمعدانی است. دیوارهایش سفید است و نرده‌های چوبی تمام حجم کلبه را در آغوش گرفته‌اند. رنگ فیروزه‌ای و آبی در و پنجره‌ها در میان سفیدی دیوارها می‌درخشد، بوریایی خوش‌بافت بر کف چوبی کلبه نرمی بخشیده است و زنی که لباسی سرشار از رنگ به تن دارد در میانه ایوان به کاری مشغول است. کمی آن سوتر بانویی دیگر پناه گرفته در سایه آلاچیقی همسان کلبه‌ها با حرکات موزون، دست در آتش تنور می‌برد و به ورد و نجوایی که زیر لب دارد، آتش را رام خود ساخته برای پخت نان‌هایش همراه کرده است و اینها همان نان‌هایی هستند که کل مسیر بویشان مدهوشم ساخته بودند و انگیزه‌ای مضاعف بود برای طی مسیر در میان جنگل. در فاصله‌ای اندک از کلبه سکویی است که به زیبایی با گلیم‌ها و پشتی‌های دستباف آراسته شده و بر فراز چهار ستون قطورش سقفی مشابه کلبه افراشته است تا علاوه بر آنکه جایگاهی باشد برای پناه جستن از هرم آفتاب و هم ریزش باران، انباری مناسب نیز هست، برای غلات و محصول برداشت‌شده از مزارع تا از دستبرد جوندگان در امان باشند.

شاید باورش سخت باشد که بگویم آنچه در رابطه با آن سخن می‌گویم، نه ذکر خاطره‌ای از گذشته‌های دور که مکان باشکوهی در عصر خودمان است؛ مکانی که آن را با نام موزه میراث روستایی گیلان می‌شناسند، موزه‌ای متفاوت از آنچه تا حال دیده‌اید و شنیده‌اید و آثاری که بی‌هیچ مزاحمت ویترین‌ها و سیستم‌های امنیتی شما را به خود می‌خواند تا یادآور میراثی باشد گرانبها و قابل تحسین. این مجموعه در مساحتی حدود ۲۶۰ هکتار در دل جنگل سراوان، در فاصله ۱۸کیلومتری جاده تهران- رشت احداث شده است.

در این موزه بی‌نظیر بناهای ۹ روستای اصیل استان گیلان که نمادهای معماری اصیل در آنها نمایان بوده واچینی شده و سپس در محل این موزه دوباره‌چینی شده است. از این تعداد روستا، روستاهایی از جلگه شرقی گیلان یعنی لاهیجان و رودبنه و جلگه مرکزی یعنی رشت و حومه است و همچنین روستاهایی مربوط به فومنات هستند. دیرینگی بناهای موجود در سایت موزه از ۶۵ تا ۱۸۰ سال است که در آنها نوع زندگی، کار، مسکن و صنایع دستی بومی گیلان به نمایش گذاشته شده است. در محیط این موزه دو مجموعه مهمان‌پذیر با بهره‌گیری از معماری روستایی گیلان نیز طراحی شده است که پذیرای مهمانان باشد. در طراحی این موزه، محل‌های جداگانه‌ای برای نمایش‌ها و بازی‌های سنتی و محلی، پرورش گیاهان دارویی و درختان بومی، بازار روز، کارگاه صنایع دستی، مزارع برنج و باغات چای، معماری روستایی ملل، پارک بازی کودکان، چایخانه‌ها و رستوران‌های سنتی، اردوگاه تفریحی و پژوهشکده معماری و مردم‌شناسی در نظر گرفته شده است که این تمهیدات به غنای موزه افزوده است. درباره هر یک از مجموعه‌های مسکونی منتخب، پژوهش‌های گسترده مردم‌شناسی، توسط گروه تحقیقات مردم‌شناسی موزه انجام می‌شود که در این پژوهش‌ها شیوه زندگی، آداب و سنن هر یک از حوزه‌های فرهنگی منطقه، کاربری بخش‌های گوناگون هر بنا، ابزار و اثاثیه و دیگر ملزومات زندگی روستایی، روش سنتی زراعت، باغداری، پرورش دام، طیور، نوغانداری و... به دقت ثبت و ضبط می‌شوند؛ اتفاقی که آرزو داریم در تمام کشور شاهدش باشیم و به واسطه آن مردم با دستاوردهای گذشتگان آشنا شوند. در این موزه میراث روستایی سعی شده در فضای خانه‌ها و محوطه‌ها، گوشه‌هایی از این فرهنگ رنگارنگ و غنی به نمایش گذاشته شود. کارشناسان موزه، از آغاز تاکنون، تعداد قابل توجهی از ابزار کشاورزی، تزیینات خانه‌ها و دیگر وسایل مورد استفاده

روستاییان را جمع‌آوری کرده‌اند که بی‌تردید نمایش این اشیا که بسیاری از آنها را اهالی روستاها به موزه اهدا کرده‌اند، بازدیدکنندگان را با جلوه‌های گوناگونی از هنر و زندگی روستایی آشنا می‌کند. گروه تحقیقات مردم‌شناسی موزه، نمایش‌ها و بازی‌های خاص یا بومی شده گیلان را طی پژوهش‌های مفصل جمع‌آوری و ثبت کرده‌اند. اجرای لافند بازی، کشتی گیله‌مردی و موسیقی محلی برای حفظ و احیای آنها از برنامه‌های این موزه است.

دیدار از این موزه بی‌تردید همگان را بر آن می‌دارد تا دگرباره به آنچه با نام مدرن شدن بر سر خود و محیط زیست‌مان آورده‌ایم بیندیشیم و بر این هماهنگی عالی میان زندگی و طبیعت رشک بریم. سفر به این مجموعه را به همه شما عزیزان پیشنهاد می‌کنم و اطمینان می‌دهم که ساکن هر گوشه از دیار عزیزمان ایران که باشید بی‌شک مجذوب زیبایی‌های نهفته در این موزه زیبا خواهید شد و از اینکه زمانی را در آن می‌گذرانید رضایت خواهید داشت. این موزه نه‌تنها نمایانگر زیبایی و یادگارهای افتخارآمیز گوشه‌ای از ایران است، که محیطی مناسب برای مطالعه و تحقیق در رابطه با معماری و علوم اجتماعی است. معماری‌ای که در دامن خود تجربه هزاران‌ساله ساکنان این دیار را دارد و بی‌هیچ دریغی اندوخته خود را بر ما ارزانی می‌دارد. بناهایی که مهندسی آن به اندازه‌ای خیره‌کننده و جامع است که گاه باور دیرینگی آنها را مشکل می‌سازد. موزه میراث روستایی گیلان، موزه شیء نیست، بلکه محل نمایش بخشی از زندگی مردمان یک سرزمین در دوره‌ای خاص است تا هم‌نسلان ما را با دانش و تجربه گذشتگان آشتی دهد. در این میان حضور راهنماهای پرتلاش و صمیمی این مجموعه که در لباس محلی و با روی خوش و مهمان‌نوازانه، سوالات شما را پاسخ می‌گویند، در تحقق این مسیر بسیار موثر و قابل تامل است و من به سهم خود از کارکنان این موزه تقدیر و تشکر می‌کنم.

جاگیری خوب مجموعه در کنار جاده امکان دسترسی ساده آن را فراهم ساخته و شما برای رسیدن به موزه میراث روستایی دردسری نخواهید داشت. کافی است در مسیر جاده تهران - رشت، زمانی که مجموعه امامزاده هاشم را پشت سر نهادید، به تابلوهای راهنمای جاده دقت کنید تا به موقع در مسیر جاده تازه‌تاسیس شهر فومن قرار گیرید و زمانی نخواهد گذشت که سردر ورودی موزه در مقابل چشمان‌تان و در سمت چپ جاده قرار گیرد و چند لحظه بعد، خود را در فضایی خواهید یافت که جز آرامش و زیبایی از آن نمی‌شود انتظاری داشت. اگر مایل بودید پیش از سفر اطلاعات بیشتری در رابطه با این مجموعه داشته باشید، به سایت اینترنتی آن مراجعه کنید.

سفر به هرات

بدون کفش وارد شوید

وصال دیده‌ور

مرز، صفر مرزی نقطه‌ای میان اینجا و آنجا. خلأ. اگر با هواپیما قصد سفر به خارج از وطن داشته باشی شاید زمان عبور از مرز این حس را با این قوت احساس نمی‌کنی که وقتی به نقطه صفر مرزی روی خاک پا می‌گذاری، به ویژه که این گذر کردن به قصد دیاری باشد که با گذشته‌های تو پیوند دارد. به خاوران، آن‌سوتر خراسان.

از پایتخت یک هواپیما من را به خراسان رسانده. در مسیر مشهد به دوغارون از تایباد گذشته‌ایم و بعد، جایی که هیچ کجا نیست. خطی که مساحت کشور را در حصار خود گرفته. در دقایقی که به انتظارم تا گذرنامه‌ام ممهور شود، گروهی را برای بررسی مدارک به صف می‌کنند. اینها کسانی‌اند که سال‌ها پس از کوچ اجباری، داوطلبانه به کشور فارغ‌شده از جنگ‌شان برمی‌گردند. از برخی چشم‌ها پیداست که دل را جا می‌گذارند و می‌روند به این امید که مام میهن ماندگارشان کند و فرزندان‌شان را در خانه پدری به دنیا بیاورند. جنگ کهنه اما آنقدر زخم زده که هنوز کم‌اند آنها که راضی به بازگشت داوطلبانه می‌شوند و چشم‌های بسیاری آرزوی کار در ساختمان‌های نیمه‌کاره را دارند و هوای تهران پرجنب و جوش را.

افغانستان آن سوی این نقطه مبهم نشسته است؛ چونان سالخورده‌مردی که به جاده پشت سر نگاه می‌کند و زمانی راز زندگی را دانسته که دیگر حتی توان بازگویی ندارد.

تایباد آخرین آبادی‌ای است که در وطن پشت سر گذاشته‌ایم. هرات پیش روست. و در این میان ۱۲۰ کیلومتر جاده آسفالته‌ای که ایران در اینجا ساخته. در چشم‌انداز، اتاق‌هایی شبیه کاروانسرا دیده می‌شود. ماشین از کنار چوپانی می‌گذرد. خانه‌های کاهگلی، از کنار پرچم‌هایی که با باد می‌رقصند و ماشین‌هایی که به سرعت رقیب را پشت سر می‌گذارند.

هرات یکی از آبادترین شهرهای افغانستان است و امن‌ترین. این را همه میزبانان و رهگذران بارها یادآوری می‌کنند با زبان فارسی دری. مثل این است که کسی از کتاب‌های تاریخ و ادبیات زنده شده باشد. چهار مناره قدیمی و قلعه قدیمی مهم‌ترین آثاری هستند که در اولین دیدار این شهر به چشم می‌آیند. هرات زمانی پایتخت تیموریان بوده است.

همه کسانی که حضور مهمان تازه‌ای را در شهر احساس می‌کنند به محض اینکه می‌فهمند مسافران از ایران آمده‌اند با لطف و مهربانی‌شان سعی در پذیرایی هر چه بهتر دارند و جالب آنکه خیلی از آنها از شهرهای بزرگ و کوچک ایران خاطره‌ها دارند. بعضی جوان‌ها متولد ایران‌اند و هوادار تیم‌های استقلال و پرسپولیس.

دکتر محمدیوسف نورستانی، والی (استاندار) هرات می‌گوید امنیت نسبتاً خوبی در شهر برقرار است: «خوشبختانه پرواز هرات- مشهد برقرار است و ما امیدواریم پروازهای هرات به تهران، دوبی و هندوستان را هم راه‌اندازی کنیم. کارها خوب پیش می‌رود اما هنوز امنیتی که مردم سزاوار آن هستند در افغانستان تامین نشده است.»

والی از زنده‌دلی مردم هرات می‌گوید. او پیش از این معاون وزیر دفاع بوده و پست‌های مختلفی داشته است. یکی از خبرنگاران هرات آرام در گوشم می‌گوید: «او یکی از افراد تحصیلکرده است که در اولین سخنرانی‌هایش به عنوان والی از فرهنگ، محیط زیست و حقوق بشر گفت و به آنها پایبند است. نوروز هم که در افغانستان به روز دهقان معروف است او دستور داد پنج میلیون نهال در هرات کاشته شود.

نورستانی از برنامه‌هایش برای آبادانی بیشتر هرات می‌گوید و از هفت هزار دانشجوی هراتی که ۴۰ درصدشان زن هستند.

هرات در زمان تیموریان پایتخت بوده و اکنون نیز پایتخت فرهنگی افغانستان است. این شهر که از ویرانی‌های جنگ بی‌بهره نبوده در حال جان گرفتن است. شعرایش در انجمن‌های ادبی گرد هم می‌آیند، روزنامه‌نگارانش در مرکز ژورنالیسم افغان و هنرمندان دیگر هر کدام حلقه‌ای شکل داده‌اند برای بسط و گسترش حرفه و علاقه‌مندی‌هایشان. تنها سینمای هرات هم چند سالی است که ساخته شده، در سالن عبدالرحمان جامی.

شهر شعر و موسیقی

«قاب نگاه سرد مرا بشکن و بریز
امشب تمام درد مرا بشکن و بریز»

داشتن دوست شاعر موهبتی است. دوستان شاعر ما را به محفل خود مهمان می‌کنند در شبی لبریز از ستاره بر فراز بام شهر. شعر می‌خوانند، از تاریخ و فرهنگ مشترک ایران و افغانستان می‌گویند و از تاثیر نویسندگان معاصر ایران بر معاصران افغان. شاعری اشعار عامیانه می‌خواند بر نوای آرام رباب محمدرحیم خوشنواز که بالای مجلس نشسته است.

«به این ساز مزاری
می‌زند زخم کاری
ملا محمدجان را کشتند
به یک دانه هزاری
با این ساز پنجشیری
چقدر سخت است اسیری»

خوشنواز استاد رباب‌نواز دارد چشم‌ها را می‌بندد و می‌نوازد. باقی هر آنچه همگان می‌خواستند با کلام بگویند خوشنواز با رباب می‌گوید. خبر مرگ خوشنواز را مدتی پس از بازگشت از هرات در سایت‌ها خواندیم اما آن شب به یادماندنی او زنده‌تر از همیشه بود، آهنگ‌هایی را که ساخته بود نواخت؛ آهنگ‌های فولکلور هراتی و خراسانی...

مقبره عرفایی چون عبدالرحمان جامی هم بهانه‌ای است برای اهل تصوف که برای زیارت به هرات بیایند.

منظر جهاد موزه‌ای است در کنار بنای یادبود شهدای قیام ۲۴ آگوست. راهنمای موزه برایمان می‌گوید مردم شهرهای مختلف استان هرات در این روز به حضور روس‌ها در کشور خود اعتراض کردند که در نتیجه این قیام ۲۴ هزار نفر شهید شدند. در بنای یادبودی برای پاسداشت این قیام و گرامیداشت کشته‌شدگان نام تمامی این افراد را به خط نستعلیق نوشته‌اند.

در موزه جنگ ابزارآلات جنگی به نمایش گذاشته شده که در درگیری‌ها به غنیمت گرفته و در جنگ به کار گرفته شده است؛ تانک‌های روسی، انواع اسلحه و مجسمه‌هایی از مجاهدین.

مقبره گوهرشادبیگم در کنار مدرسه کمال‌الدین بهزاد نیز از دیدنی‌های شهر است.

گوهرشاد خاتون ساخت مقبره و مدرسه را به استاد قوام‌الدین شیرازی سفارش داد و اکنون او و هفت تن از نزدیکانش در این مکان آرمیده‌اند.

چهار منار را می‌توان از هر گوشه هرات- شهر مه‌گرفته محصور میان کوه‌ها- دید. منارها گویا بیش از این بوده است.

قلعه افسانه‌ها

بهتر است بگویم حسی شبیه مواجهه با مسجد جامع اصفهان دارد مسجد جامع شهر هرات. باید بدون کفش وارد شوید. معمار ایرانی بوده. قوام‌الدین شیرازی همو که مقبره گوهرشاد بیگم را نیز ساخته. میراث فرهنگی در حال مرمت بناست و این کار به همان شیوه صدها سال پیش انجام می‌گیرد. در اتاقی لعاب ساخته می‌شود، در اتاقی دیگر استادی در حال تراش دادن کاشی‌هاست و نقش‌ها را با حوصله می‌زنند. رنگ می‌کنند، می‌پزند و دست آخر در کنار بافت قدیمی می‌نشانند. کتیبه و نقش.

قلعه اختیارالدین هم در دست تعمیر است؛ قلعه‌ای افسانه‌ای به جامانده از روزگار اسکندر مقدونی. اسکندر پس از تصرف شهر آرتاکوآنا (هرات امروزی) این دژ را برای نظامیان ساخت. هدف از ساختن این دژ، حفظ نظامیان از شورش احتمالی مردم شهر در برابر سلطه مقدونی‌ها بود. این بنای عظیم هم‌اکنون در وسط شهر هرات موجود است. در اواخر دوره محمد ظاهرشاه و دوران سردار داودخان بودجه‌ای برای بازسازی آن اختصاص دادند که در پایان دوره داودخان دوباره احیا و بازسازی شد. برج و باروهای بزرگ این قلعه از دوردست‌ها قابل دیدن است.

دژ اختیارالدین نخستین دژ استوار منطقه هرات در افغانستان است که اهالی آن به راهنمایی شمیره دختر فریدون به منظور رهایی از چیرگی و باج‌گیری دشمن آباد کردند. در سده چهارم پیش از میلاد در پی تهاجم اسکندر مقدونی ویران ولی پس از آن به فرمان خود او از نو آباد شد. این دژ دوباره در اثر هجوم چنگیز ویران ولی بعداً در عصر فخرالدین (۷۰۶- ۶۸۷) توسط وزیرش اختیارالدین آباد شد و به نام وی نامیده شد. در سال ۸۱۰ دوره شاهرخ فرزند تیمور لنگ که پایتخت خراسان را از سمرقند به هرات انتقال داد علاوه بر ترمیم ویرانی‌های گذشته به استوارسازی و آراستن این دژ نیز پرداخته شد.

شب هرات تاریک است، هنوز خیلی از معابر چراغانی ندارد اما با هر طلوع رگ‌های شهر به جوش می‌آید. بازارهای شلوغ و پرهیاهو با اجناسی بسیار متنوع. برخی از اقلام خوراکی آشناست. محصولات ایرانی. ماست، آبمیوه و...

بازار پوشاک زنانه مجلسی مکانی است که مردها اجازه ورود ندارند. مانکن‌هایی با چهره‌های اروپایی که پارچه‌های هندی و افغانی به تن دارند.

بازار موبایل هم یکی از بازارهای شلوغ شهر است. می‌توان در اینجا انواع موبایل را به قیمتی ارزان خرید و با یک خط تلفن در طول اقامت در شهر از آن استفاده کرد.

با اینکه هرات از نظر امنیت شرایط مساعدی دارد و به واسطه توسعه‌یافتگی و شکل‌گیری رسانه‌های متعدد و متنوع از بسیاری شهرهای دیگر افغانستان پیشروتر است اما هنوز در این شهر نیز زنان حضوری کمرنگ‌تر از مردان دارند و در سطح شهر نیز کمتر دیده می‌شوند.

گذشته از آثار تاریخی و فرهنگی شاید جذاب‌ترین بخش سفر گپ و گفت و نشست و برخاست با شهروندان باشد؛ در شهری که زمانی پاره‌ای از تن ایران بود و اکنون همسایه‌ای است دردمند.

نکته

داشتن دوست شاعر موهبتی است. دوستان شاعر ما را به محفل خود مهمان می‌کنند در شبی لبریز از ستاره بر فراز بام شهر. شعر می‌خوانند، از تاریخ و فرهنگ مشترک ایران و افغانستان می‌گویند و از تاثیر نویسندگان معاصر ایران بر معاصران افغان. شاعری اشعار عامیانه می‌خواند بر نوای آرام رباب محمدرحیم خوشنواز.

همسو

چگونه به هرات برویم

برای سفر به هرات دو راه وجود دارد؛ سفر زمینی و سفر هوایی. قبل از هر چیز ویزا را از سفارت افغانستان در تهران یا کنسولگری افغانستان در مشهد تهیه کنید. هزینه ویزای سیاحت یک بار ورود با اقامت یک ماه و اعتبار سه ماه برای اتباع ایرانی ۴۰ یورو است و صدور آن برخلاف گذشته حداقل چهار روز زمان می‌برد.

اگر قرار باشد زمینی سفر کنید فاصله مشهد تا مرز دوغارون حدود ۲۵۰ کیلومتر است و از آنجا تا هرات ۱۲۰ کیلومتر. این مسافت را می‌توان با اتوبوس‌های مشهد- هرات طی کرد یا اینکه با سواری‌های خطی از ترمینال به دوغارون رفت. مرز از ساعت هشت صبح تا چهار بعدازظهر باز است. آن سوی مرز هم ماشین‌هایی که به انتظار مسافرند شما را به هرات می‌رسانند. مسافت دوغارون تا هرات ۱۲۰ کیلومتر و زمان سفر از مشهد تا هرات جمعاً حدود پنج ساعت است. پیشنهاد می‌شود پیش از سفر هتل مورد نظر خود را شناسایی کنید. در طول اقامت خود می‌توانید یک خط تلفن همراه را از شرکت افغان بیسیم یا اپراتورهای دیگر تهیه کنید. هزینه رفت و آمد در شهر مناسب است. اداره میراث فرهنگی برای آثار تاریخی مهم مثل مسجد جامع، ارگ و گنبد و منارها بروشورهایی منتشر کرده است. با مراجعه به این اداره می‌توانید اطلاعات بیشتری به دست آورید.

پروازهای مشهد به هرات هم امکان دیگری برای رفتن به این شهر است. اگر پیش از آن به کابل سفر کنید هم می‌توانید با پروازهای کابل به هرات که ۱۰ صبح هر روز انجام می‌شود به هرات بروید. این فاصله یک ساعت به طول می‌انجامد.

سودوکو شماره ۸۰

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

6	3				2			1
					9			4
		2		8		3		
2	9		4		8			
		6				8		
			9		7		5	2
		9		1		7		
1			6					
5			7				1	6

حل سودوکو شماره ۷۹

2	8	5	4	3	6	7	1	9
6	4	7	9	8	1	5	2	3
9	3	1	2	7	5	4	6	8
5	7	4	6	9	8	1	3	2
3	1	9	5	4	2	8	7	6
8	2	6	7	1	3	9	4	5
4	6	3	8	5	7	2	9	1
7	5	2	1	6	9	3	8	4
1	9	8	3	2	4	6	5	7

جدول شماره ۱۰۷۲

افقی

۱- شاکر- درآمد را می‌بلعد ۲- از جنس فلز مادر- تجمع چرکی در موضعی از بدن- فریاد مهیب ۳- شهری در استان اصفهان- جوش چرکی- از گل‌های آپارتمانی ۴- نیاز جوانان برای ازدواج- سزاوارتر- مکان بی‌خطر ۵- درختی پایا از تیره زیتونیان- دقت و ژرفاندیشی- نوعی انبردست ۶- قاعده و شیوه- صندوق میت- سازه‌ای برای محصور کردن جایی ۷- عالم و آگاه- از الفبای فارسی- تله ۸- پیامبری که در حیات به بهشت رفت- اتاق وسیع ۹- فلز تمدن‌ساز- تماشا و گاه به معنی تخمین- آبی تیره ۱۰- هدیه به عروس- گردی براق به رنگ‌های مختلف برای تذهیب و نقاشی- میدانی در جنوب تهران ۱۱- مضطرب و حیران- بی‌آبرو- دوم شخص مفرد ۱۲- انسان- رنگ سبز تیره- لباس پوشیده ۱۳- کاسه بزرگ چوبین- آبله به سبب سوختن یا کار بر دست یا پا- دستگاهی برای بازی کامپیوتری ۱۴- ترمیم فرش پوسیده- پایتخت انگلستان- حریر رومی ۱۵- دستگاه مولد برق- سلسله‌ای در باشتین.

عمودی

۱- مسن- نوشته پژوهشی ۲- عریض و گشاد- سوره زنان- مجله حاوی مدل‌های لباس ۳- ستارگان- قربانگاه حج- اشتهار ۴- امور مربوط به اداره کشور- سقز- خلعت ۵- جمع نکته- آزادی- گشاده ۶- زایش- سمبلیک- نمونه خروار است ۷- جیوه- جامه- سهل‌انگاری ۸- بی‌آبرو، ضایع- آزاد، رها- راندن مزاحم- نام سوره دهم قرآن کریم ۹- مورخ یونان باستان- تراکتور کوچک- وسیله خاکبرداری ۱۰- سبزی پیچیده- جنون مردم‌آزاری- تکبر ۱۱- چله کمان- مردان خدا- در را به چارچوب متصل می‌کند ۱۲- مساوی بودن- عقیده- نخست ۱۳- مشهورترین پلیس تلویزیونی فرانسه- جراحت- بقیه موارد ۱۴- نادر- از کویرهای ایران- سود حرام ۱۵- خزانه آب و نفت- ایمه.

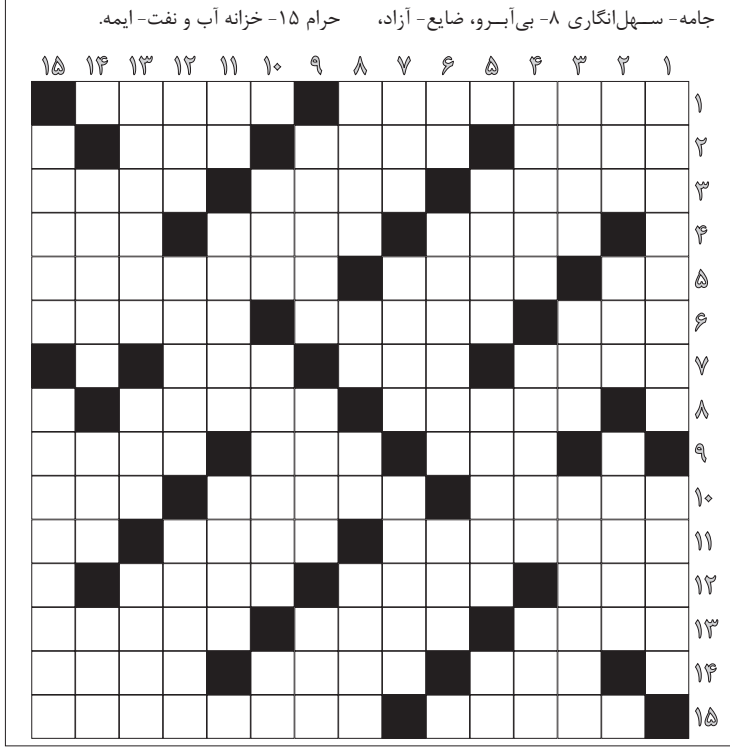

حل جدول شماره ۱۰۷۱